

واکاوی شخصیت وکیل اول امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با تأکید بر منابع تاریخی - روایی

حکیمه احسانی^۱

چکیده

شیعیان تا قبل از آغاز دوره غیبت به امام معصوم دسترسی مستقیم داشتند و در مسائل و مشکلات به ایشان مراجعه می کردند. با آغاز غیبت جامعه شیعیان دچار چالش و بحران گردید. امامان شیعه علیهم السلام برای حل چالش ها و عبور از بحران ها از سازمان وکالت و برخی وکلای امین برای رتق و فتق امور شیعیان استفاده کردند. طبیعی است که شخصیت وکلا و ویژگی های آنها در چنین وضعیتی خاص است و مطالعه این شخصیت ها و بررسی نقش آنها و تحلیل فعالیت شان در آن دوره برای مطالعه تاریخ تشیع و تبیین وضعیت اجتماعی و فرهنگی شیعیان بسیار کاربرد دارد. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال واکاوی شخصیت عثمان بن سعید اولین وکیل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بررسی فعالیت های او بر اساس منابع تاریخی و حدیثی خواهد بود. یافته های تحقیق نشان می دهد وظایف وکیل اول امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در بعد سیاسی و اجتماعی، شامل زدودن شک و حیرت مردم، پنهان کردن نام امام و تقیه کردن و در بعد فرهنگی، شامل آموزش عملی معارف اهل بیت علیهم السلام و پاسخ گویی به پرسش های فقهی بوده است.

واژگان کلیدی: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عصر غیبت، نواب خاص، عثمان بن سعید، سازمان وکالت.

۱. دانشجوی دکتری رشته تاریخ اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ایران؛ h.ehsani94@gmail.com.

مقدمه

بر اساس تدبیر الهی، انسان‌ها نیازمند رهبر و راهنمایی هستند که آنها را به سوی کمال و سعادت راهنمایی کنند. در نظام اعتقادی شیعه، بعد از هدایت و ارشاد پیامبر ﷺ، این امر به ائمه اطهار ﷺ واگذار شده است. امامان معصوم ﷺ در طول حیات خود، به طور مستقیم با مردم در ارتباط بودند و مردم از وجود آنان بهره می‌بردند. این وضعیت، تا پایان امامت امام یازدهم تداوم یافت، اما در عصر امامت امام دوازدهم، شرایط تغییر یافت و امام عصر از منظر عامه مردم غایب گردید و شیوه ارتباط امام با مردم، از طریق وکلای خاص صورت می‌گرفت. نیابت خاصه، به معنای جانشینی یک شخص از سوی امام برای برقراری ارتباط مردم با او در مواردی است که ارتباط مستقیم مردم با وی ممکن نیست. در این شرایط امام، افراد خاصی را به عنوان نایب خود قرار می‌دهد. امام باید شخصاً نایبش را به مردم معرفی نموده یا نایب قبل از او، نایب جدید را به مردم بشناساند. بدین جهت، انتخاب وکلای خاص در دوران غیبت صغری و واگذاری این مسئولیت به فقیهان در دوران غیبت کبری، شیوه‌ای است که از سوی ائمه اطهار ﷺ تعیین شده است.

مسئله ما در این نوشتار نیز پرداختن به شخصیت این فقیه وارسته و عالم تشیع است؛ اینکه ایشان چه ویژگی‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی داشته و ملاک انتخاب ایشان به عنوان نایب حضرت چه بوده است؟ ذکر این نکته ضروری است که معرفی و شناخت شخصیت‌هایی مانند نواب و وکلای ائمه ﷺ، به مثابه الگویی از شیعیان راستین و حقیقی اهل بیت ﷺ، می‌تواند نقش هدایت‌کننده برای انتخاب درست مسیر سعادت و کمال باشد. شناختن شخصیت عثمان بن سعید که از نواب خاص امام عصر عجل الله تعالی فرجه و مورد اعتماد ائمه ﷺ قبل از آن حضرت بود، از این منظر دارای اهمیت بسیاری بوده و علاوه بر الگودهنده بودن ایشان، ابعاد شخصیتی و فردی وی برای عموم مسلمانان، مایه تکریم مقام علم و اخلاص و عمل به شمار خواهد آمد. از سویی دیگر معرفی شخصیت ایشان می‌تواند ادعاهای کذب برخی از نواب ساختگی و مدعیان دروغگو را برملا ساخته و مانع از انحراف جوامع دینی گردد. نوشتار حاضر به دنبال اهدافی از قبیل شناسایی ویژگی‌های فردی و

اجتماعی شخصیت عثمان بن سعید، تبیین ابعاد فرهنگی و اجتماعی شخصیت ایشان، تبیین و شناخت شیوه‌های ارتباط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیروان خود و نیز ترسیم الگویی مناسب و مطلوب از شیعه حقیقی است.

۱. ادبیات موضوع

۱-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، کتاب، پایان‌نامه یا مقاله علمی درباره شخصیت نایب اول امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور مستقل، بسیار اندک پدید آمده است. همچنین از منابع شیعه، اطلاعات کمی در مورد زندگی و شخصیت نایب اول به دست می‌آید. با بررسی متون تاریخی و منابع شیعی حدیثی، چنین به دست می‌آید که عمده مطالب موجود در این باره، صرفاً در حد نقل احادیثی از ائمه علیهم‌السلام درباره شخصیت عثمان بن سعید و یا ذکر توقیعات و توصیه‌های امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در کتب مختلف و به صورت پراکنده آمده است و تبیین و تحلیل خاصی در این باب مشاهده نمی‌شود. کتاب «الغیبه» شیخ طوسی و «کمال الدین و تمام النعمه» شیخ صدوق، از جمله منابعی است که در کنار دیگر نواب خاص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، به شخصیت عثمان بن سعید پرداخته‌اند. در دوران معاصر نیز محققان عمدتاً با بهره‌گیری از منابع حدیثی، به زندگی نواب اربعه دست یافتند که با بررسی آنها نیز کلی‌گویی و ذکر تنها مباحث پیشین در قالبی نو، از این آثار به دست می‌آید. برخی از این آثار عبارتند از:

- کتاب «زندگانی نواب خاص امام زمان» اثر علی غفارزاده است که در دو بخش با عناوین مباحث مقدماتی و زندگانی نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تدوین یافته است. این کتاب در عین بهره‌مندی از قلمی روان و نشری شیوا و ساده، از منابع خوبی استفاده کرده است، ولی به همه زوایا و ابعاد شخصیت نواب اربعه و از جمله نایب اول، به تفصیل و مطلوب نپرداخته است.

- مقاله «مروری بر زندگی‌نامه و فضایل اخلاقی نایب اول امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عثمان بن سعید عمری»، نوشته روح‌الله سلطانی، نشریه خلق، شماره ۷۰، سال ۱۳۹۸؛ به زندگی این شخصیت بزرگ جهان تشیع پرداخته است. نویسنده سعی کرده، در مروری

اجمالی، به سیر زندگی و فضیلت‌های اخلاقی وی اشاره کند و لذا ورودی به ابعاد دیگر شخصیت ایشان مخصوصاً جنبه اجتماعی آن نداشته است.

- مقاله «بررسی نقش عثمان بن سعید عمری در رخداد‌های دوره امام حسن عسکری و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه» به قلم مجید احمدی کچایی و عباس میرزایی، فصلنامه مشرق موعود عجل الله تعالی فرجه، سال ۱۴، شماره ۵۵، ۱۳۹۹، ص ۱۳۱ - ۱۴۶؛ در نتیجه‌گیری مقاله آمده است که عثمان بن سعید، یکی از اجزای اصلی نهاد وکالت بود که در دوران زندگی امام عسکری عجل الله تعالی فرجه و ابتدای غیبت صغری، به عنوان وکیل درجه یک امامیه طرح شد. وی در زمان امام عسکری عجل الله تعالی فرجه توانست بسیاری از مهمات این دوران از جمله امور مالی را به فرمان امام به انجام برساند و در غیبت صغری نیز سعی وافری داشت تا مشکلات به وجود آمده درباره غیبت امام دوازدهم را به کمک امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و برخی دیگر از کارگزاران ایشان مرتفع سازد. نقش آفرینی او در تاریخ شیعه به اندازه‌ای بود که می‌توان عثمان را از جمله حلقه تکمیل تاریخ شیعه امامی دوره غیبت و دوره حضور در نظر گرفت.

با توجه به فقر منبع در این زمینه، آثار پیشین، شناخت جامعی از زندگانی این نایب خاص نمی‌دهند و پیشینه مستقل و قابل توجهی درباره آن ارائه نشده است؛ چنان‌که در مقاله سلطانی، تنها به فضایل عثمان پرداخته و در مقاله احمدی کچایی و میرزایی، صرفاً به بعد رخدادها توجه شده است.

مقاله حاضر درصدد است گامی فراتر نهاده و شخصیت عثمان بن سعید را با نگاهی تحلیلی و به صورت مستقل، واکاوی کرده و ضمن معرفی و تبیین دقیق تر ابعاد و زوایای شخصیتی ایشان، میزان و تأثیر نفوذ جانشین امام زمان عجل الله تعالی فرجه، بیشتر آشکار گردد. برای این منظور، ابتدا می‌بایست با نگاهی گذرا، وضعیت عصر شروع امامت امام دوازدهم و شرایط شکل‌گیری دوران غیبت صغری بررسی شود که از مسائل مهم در این باره، چگونگی شخصیت نایبان، از جمله، عثمان بن سعید است.

۱-۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲-۱. عصر غیبت

عصر امامت پس از رسول خدا ﷺ به دو دوره عصر حضور ائمه علیهم‌السلام (سال‌های ۱۱-۲۶۰ ق) و عصر غیبت امام دوازدهم (پس از سال ۲۶۰ ق) تقسیم می‌شود. غیبت امام مهدی ﷺ، به معنی پنهان بودن جسم حضرت ﷺ از دیدگان و ناشناس بودن ایشان بین مردم است (شیخ صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۶۴۸). طبق روایت امام صادق علیهما السلام: «إِنَّ لَصَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۲)، غیبت امام مهدی ﷺ دو مرحله دارد. در روایت دیگری توضیح داده است که این دو غیبت: «إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى كَمَا جَاءَتْ بِذَلِكَ الْأَخْبَارُ فَأَمَّا الْقُصْرَى مِنْهُمَا فَتُنْذِرُ وَقَتَ مَوْلِدِهِ إِلَى انْقِطَاعِ السَّفَرَةِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ شِيعَتِهِ وَاعْدَمَ السُّفَرَاءَ بِالْوَفَاةِ وَأَمَّا الطُّوْلَى فَهِيَ بَعْدَ الْأُولَى وَفِي آخِرِهَا يَقُومُ بِالسَّيْفِ؛ يَكُنِي كَوْنَهُ تَر (صغری) و دیگری طولانی‌تر (کبری) است و پس از آن، قیام و ظهور رخ خواهد داد». (شیخ مفید، ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۳۴۱)

بنابراین غیبت صغری، از سال ۲۶۰ ق، یعنی همان سال شهادت امام حسن عسکری علیهما السلام آغاز می‌شود و تا زمان درگذشت آخرین نایب خاص امام در سال ۳۲۹ ق، یعنی ۶۹ سال به طول می‌انجامد. این دوره، اوج حاکمیت شیوه ارتباطی امام با مردم از طریق وکلا بوده است و غیبت کبری از سال ۳۲۹ ق تا زمان ظهور حضرت ادامه خواهد داشت. (مجله حوزه، ۱۳۷۴، ص ۱۲۲)

۱-۲-۲. نایب خاص

نایب به معنای جانشین و قائم مقام، به کار رفته است (ابراهیم مصطفی، ۱۹۶۵، ص ۹۶). بر اساس یک نظریه، واژه نایب به معنای باب، جانشینی مطلق و تنها واسطه میان امام مهدی ﷺ و شیعیان، مختص نواب اربعه در عصر غیبت صغری بوده است؛ برخلاف وکلای عصر حضور ائمه که به آنان نایب گفته نمی‌شد؛ زیرا با وجود معرفی افرادی به عنوان باب و وکیل، ائمه علیهم‌السلام با شیعیان مرتبط بودند. از این رو، برترین وکلای ائمه علیهم‌السلام در عصر حضور نیز نایب، جانشین و قائم مقام مطلق به شمار نمی‌آمدند (جباری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۰). به کار بردن عنوان وکیل برای عثمان بن سعید در دوره امام حسن عسکری علیهما السلام و عنوان نایب برای او در دوره امام زمان ﷺ توسط قطب‌الدین راوندی، محدث، مفسر، متکلم، فقیه، فیلسوف و

مورخ شیعه در قرن ششم هجری، شاهی بر این نظریه است (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۱۴).
وکالت و نیابت عثمان بن سعید را امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام و امام مهدی علیه السلام تصریح کرده‌اند. در کتاب الغیبه، روایتی نقل شده است که بر اساس آن، محمد بن عثمان و پدرش، عثمان بن سعید، هر دو مورد اعتماد امام حسن عسکری علیه السلام بوده‌اند. بنابراین روایت، امام حسن عسکری علیه السلام تصریح کرده است: «هرچه برسانند از طرف من می‌رسانند و هرچه گویند از من است. به حرف آنان گوش بده و از آنان پیروی کن که آنان ثقه و امین من هستند». (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۰ و طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۵۴، ح ۳۱۵)

۱-۲-۳. زمینه‌های شکل‌گیری مقام وکیل امام

از اقدامات مهمی که دو امام هادی و عسکری علیه السلام برای آماده‌سازی زمینه غیبت حضرت مهدی علیه السلام انجام دادند، انتخاب وکیل در مواردی خاص برای پاسخ‌گویی به مسائل مردم بود و به نوعی ارتباط مستقیم امام با مردم را به طور موقت قطع می‌کردند. این امر به صورت گام به گام و تدریجی برای برخی از خواص شیعیان انجام می‌پذیرفت. این واقعیت، با توجه به کلامی که مسعودی، در «اثبات الوصیه» آورده است به خوبی روشن می‌شود. او می‌گوید: «امام هادی علیه السلام از بسیاری از موالیان خود، به جز معدودی از خواص، دوری می‌گزید و زمانی که امر امامت به او رسید، با خواص خود و غیر خواص، از پشت پرده سخن می‌گفت، مگر در اوقاتی که او را به خانه سلطان می‌بردند» (مسعودی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۲). شیعیان حضرت برای ملاقات با ایشان، در راه می‌نشستند تا در آن اوقات حضرت را ملاقات کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۲۹۰) به هر حال، این دو امام بزرگوار، هم به لحاظ آنکه در پادگان نظامی «سامرا» تحت کنترل حکام عباسی بودند و هم به لحاظ آنکه در عصری نزدیک به عصر غیبت می‌زیستند، غالباً نسبت به شیعه، پنهان بودند و بیشتر امور و ارتباط آنان با شیعیان، از طریق مکاتبات، توقیعات و وکلا بود. وجود چنین شرایط و وضعیتی در زمان پیش از امامت امام دوازدهم، نشان از شکل‌گیری زمینه‌های جدیدی برای ارتباط امام با مردم بود که مهم‌ترین این شیوه‌ها، انتخاب وکلای خاص و ویژه بود. در اوایل شروع دوره امامت امام دوازدهم، چنین وضعیتی

حاکم بود. امام دوازدهم شیعیان دارای دو غیبت^۱ است: غیبت صغری و غیبت کبری. امام امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «امام غائب ما دو غیبت خواهد داشت، که یکی طولانی تر از دیگری است. در دوران غیبت او، تنها کسانی در اعتقاد به امامتش پایدار می مانند که دارای یقینی استوار و معرفتی کامل باشند». (قندوزی حنفی، ۱۴۰۴، ج ۳، باب ۷۱، ص ۸۲)

چنانچه ذکر شد غیبت صغری از زمان شهادت امام حسن عسکری (ع) تا سال درگذشت آخرین نایب خاص امام سال ۳۲۹ ق را شامل می شود. با این حال شیخ مفید، آغاز غیبت صغری را از سال تولد آن حضرت، یعنی سال ۲۵۵ ق یعنی تولد امام مهدی (عج) حساب کرده است (مفید، ۱۳۳۹، ص ۳۴۶) و با این محاسبه، دوران غیبت صغری، ۷۵ سال خواهد بود. طبعاً نظریه شیخ مفید از این لحاظ بوده است که حضرت مهدی (عج) در زمان پدر نیز حضور و معاشرت چندانی با دیگران نداشته و از نظر کلی، غائب محسوب می شده است. گویا بر اساس همین ملاحظه است که محققانی مانند علامه طبرسی، سید محسن امین و سید صدرالدین صدر نیز آغاز غیبت صغری را از سال میلاد آن حضرت و مدت غیبت صغری را ۷۴ سال دانسته اند. (پیشوایی، ۱۳۸۶، ص ۶۷۳)

در دوران غیبت صغری، مردم توسط سفیران چهارگانه - که اشخاصی مشخص و مورد اعتماد بوده اند و نامشان بعداً ذکر خواهد شد - با امام در ارتباط بودند و شیعیان می توانستند به وسیله آنان، ضمن بیان مسائل و مشکلات خویش به عرض امام، پاسخ متناسب را دریافت دارند و حتی گاه به دیدار حضرت نائل شوند. دوره غیبت صغری را می توان دوران آماده سازی شیعیان برای غیبت کبری دانست که طی آن، ارتباط شیعیان با امام، حتی در همین اندازه نیز قطع شده و مردم موظف شدند در امور خود، به نواب عام آن حضرت، یعنی فقهای واجد شرایط و آشنایان به احکام اسلامی مراجعه نمایند.

۱-۲-۴. وکلای چهارگانه

وکلای خاص امام مهدی (عج) در دوران غیبت صغری، که به نواب اربعه شهرت دارند،

۱. «غیبت»، در شیعه به معنای ناپیدا بودن در مقابل «ظهور» است و نه به معنای «ناپدید بودن» در مقابل «حضور». از دیدگاه شیعیان، غیبت دوره ای است که مهدی در میان مردم هست، ولی ظهور ندارد.

چهار تن از اصحاب و یاران با سابقه امام پیشین و از علمای پارسا و بزرگ شیعه بودند که به نواب اربعه شهرت یافتند. (دوانی، ۱۳۸۵، ص ۱۸) این افراد، به ترتیب زمانی عبارتند از: ابوعمر و عثمان بن سعید عمری، ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و ابوالحسن علی بن محمد سمري. در کنار نواب اربعه مشهور، امام عصر علیه السلام، وکلای دیگری نیز در مناطق مختلف سرزمین اسلامی از قبیل بغداد، قم، نیشابور و ... داشته‌اند که از طریق نواب خاص امام، امورات و مسائل مردم را پیگیری و حل و فصل کرده و سؤالات آنها را پاسخ می‌دادند (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۵). سفارت و وکالت این چهار نفر، وکالتی عام و مطلق بود، ولی دیگران در مواردی خاص، وکالت و نیابت داشته‌اند (امین، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۸). عثمان علاوه بر امام هادی علیه السلام، در شمار یاران مورد اعتماد امام حسن عسکری علیه السلام نیز قرار داشت و شیخ طوسی در رجال خود، عثمان بن سعید را وکیل امام عسکری علیه السلام معرفی کرده است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۹-۲۳۱). در روایات مختلفی نقل شده که امام عسکری علیه السلام، عثمان را خطاب قرار داده و وکیل خود دانسته، و در جای دیگری، اطرافیان را شاهد می‌گیرد که عثمان بن سعید وکیل آن حضرت است. امام او را به عنوان رئیس وکلا معرفی کرد؛ به این معنا که تمام وجوهاتی که شیعیان، توسط وکلای فرستادند، به عثمان می‌رسید و او آنها را به امام می‌رساند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۳۲۳)

۲. واکاوی شخصیت عثمان بن سعید

۲-۱. حیات فردی

ابوعمر و عثمان بن سعید عمری، از قبیله بنی‌اسد بود و به مناسبت سکونت در شهر سامراء، «عسکری» نیز نامیده شده است. وی به عنوان نخستین نایب خاص حضرت مهدی علیه السلام، در شمار راویان حدیث و از شخصیت‌های برجسته قرن سوم هجری است و به مدت پنج الی هفت سال، نیابت خاصه امام زمان علیه السلام را بر عهده داشت. درباره سال تولد، دوران جوانی و محل زندگی عثمان و خانواده ایشان اطلاعات چندانی در دست نیست. گفته می‌شود در یازده سالگی به عنوان خادم در منزل امام دهم، حضرت امام هادی علیه السلام کار می‌کرد و پس از آن، پیشکار امام شد. وی از اعتماد کامل آن حضرت برخوردار بود و اجرای مأموریت‌هایی به

وی سپرده می‌شد. خداوند متعال، فرزندی به او عطا کرده بود که او را عمرو نام نهاده بود و لذا کنیه‌اش ابوعمر و بود و به همین نام هم مشهور شده و در تاریخ نیز به همین نام شناخته شده است. پس از رحلت امام یازدهم، با ترک سامرا، به بغداد رفت. در آن زمان سامرا، پایتخت و مقر لشکریان خلافت عباسیان بود که از آغاز با امامان شیعه میانه خوبی نداشتند. برخی گفته‌اند احتمالاً به همین دلیل، عثمان بن سعید به بغداد مهاجرت کرد و منطقه کرخ (محل سکونت شیعیان) را مرکز رهبری سازمان امامیه قرار داد (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۹). عثمان بن سعید دو فرزند پسر داشت که محمد، پس از وفات پدر، دومین نایب امام مهدی (عج) بود و احمد که نامی از او در کتب و منابع نیامده است. بالین حال، در زمره مدعیان دروغین نیابت، نام فردی به نام «ابوبکر محمد بن احمد بن عثمان» آمده که تصریح شده برادرزاده محمد بن عثمان است. (صدر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۷۹)

۲-۲. القاب نایب اول

در منابع تاریخی، برای عثمان بن سعید، القاب متعددی ذکر شده است که برخی از آنها عبارتند از:

الف) اسدی: چون وی از قبیله بنی اسد بود؛

ب) عسکری: زیرا (همانند امام حسن عسکری (عج)) در محله (نظامی) عسکر در سامرا سکونت داشت. شیخ طوسی محل سکونت عثمان را محله «عسکر» در پادگان شهر سامرا دانسته است و از این رو، به این لقب شهرت یافت. (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۵۴)

ج) العمری: چون جد مادر وی، عمری بود.^۱ همچنین در این باره گفته شده است که امام عسکری (عج) فرمود: «جمع بین عثمان و ابوعمر و تناسب ندارد». به همین دلیل، کنیه او را کوتاه‌تر کرد و وی را «عمری» نامید و فرمود: «به جای ابوعمر و او را عمری بگویید» و به همین جهت، به عمری شهرت یافت. (جاسم حسین، ۱۳۷۹، ص ۱۴۱)

د) سَمّان یا زیات: چون وی شغل روغن فروشی و زیتون فروشی داشت. لذا در محافل

۱. شیخ طوسی در کتاب الغیبة می‌نویسد: و انما سَمی العمری لما رواه ابونصر هبة الله بن محمد بن احمد الکاتب ابن بنت ابي جعفر العمری، قال ابونصر: کان اسدياً فنسب الی جده فقیل العمری (النعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۴). به نوشته «جواد علی»، پدر بزرگ عثمان، عمرو بن حرث صیرفی کوفی بود. (جاسم حسین، ۱۳۷۹، ص ۱۴۱)

شیعه، سَمَّان و زیات یعنی روغن فروش و زیتون فروش لقب گرفته بود. وی برای استتار فعالیت‌های سیاسی، روغن فروشی می‌کرد و اموال متعلق به امام را که شیعیان به وی تحویل می‌دادند، در ظرف‌های روغن قرار می‌داد و به محضر امام عسکری علیه السلام می‌رساند (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۱۴ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۳۴۴). وی همچنین برای پوشش دادن به موضوع نهاد وکالت، به تجارت زیتون اشتغال داشت. «کشی» نام او را «حفص بن عمر عمری» ذکر می‌کند که ممکن است نام مستعار وی در دیدارهای پنهانی با سایر وکلا باشد. (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۱۳)

۲-۳. صفات نایب اول

۲-۳-۱. وثاقت

به‌طور کلی، از مهم‌ترین ویژگی‌ها و وظایف عثمان بن سعید، نخستین نایب حضرت مهدی علیه السلام می‌توان به این موارد اشاره کرد: در خانه امام عسکری علیه السلام موقعیت ویژه‌ای داشت و حضرت بر وثاقت او تأکید کردند (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۵۴). وی مورد اطمینان و امین سه امام معصوم علیهم السلام بود (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۵۴ و کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳۰) و از نزدیکان آنها به شمار می‌رفت. امام هادی و عسکری علیهم السلام ضمن تصریح به وثاقت و امانت عثمان، پرسش‌های مردم و حتی اهل علم را به وی ارجاع می‌دادند. وی از عصر امام یازدهم، رئیس وکلا و رهبر آنها در امر وکالت بود؛ به این معنا که تمام وجوهاتی که پیروان امام توسط وکلا می‌فرستادند، به عثمان می‌رسید و او آنها را به امام می‌رساند (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۵۴). همچنین هنگامی که برای امام حسن عسکری علیه السلام اجناسی از یمن آورده شده بود، ایشان ضمن معرفی عثمان بن سعید فرمودند: «او وکیل من و وکیل فرزندانم است؛ اموال را به او تحویل دهید» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۲ و ۲۴۰؛ طبرسی، ۱۳۸۶، ص ۴۵۲ و صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۷۸). این موضوع نشان می‌دهد که وی از شأن و منزلت رفیعی نزد آن دو بزرگوار برخوردار بود؛ چنان‌که روایت شده است که امام هادی علیه السلام، به یکی از شاگردان خود می‌فرماید: «عمری، ثقه و امین است. آنچه او می‌گوید از من می‌گوید و آنچه به شما می‌رساند از من می‌رساند» (صدوق، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۲۹). همچنین در پایان دیدار چهل نفر از شیعیان با حضرت مهدی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام خطاب به حاضران فرمود: «آنچه عثمان (بن سعید) می‌گوید، از او بپذیرید، مطیع فرمان او باشید، سخنان او را بپذیرید،

او نماینده امام شماسست و اختیار با اوست». (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۱۷)

امین بودن و پاکدامنی عثمان بن سعید مورد توجه ائمه (ع) بوده است: امام حسن عسکری (ع) فرمود «او پاکیزه است و امین، درستکار و پاکدامن است. به ما نزدیک است. راه او راه خداست» (خویی، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۲۵۴). عثمان، در اجرای مراسم ولادت حضرت مهدی (عج) حضور چشمگیری داشت و به نیابت از امام حسن (ع) عقیقه‌هایی برای امام زمان (عج) داد. (صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲، باب ۴۲، ح ۶)

امام عسکری (ع) نیابت او را به چهل تن از بزرگان و علما از جمله حسین بن ایوب، علی بن بلال، عبدالله بن جعفر حمیری و احمد بن هلال کرخی ابلاغ فرمود. از این رو، هیچ‌کس در زمان نیابت عثمان، با وی مخالف نکرد (طوسی، ۱۳۸۹، ص ۳۰۵). گرچه مراسم نماز و دفن امام عسکری (ع) توسط امام زمان (عج) انجام شده ولی طبق برخی گزارش‌ها، عثمان پس از شهادت امام حسن عسکری (ع)، انجام مراسم کفن و دفن امام را به حسب ظاهر به عهده گرفت (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۵۶، ح ۳۱۸) و به دستور امام عسکری (ع) پس از شهادت آن حضرت، عهده‌دار نیازهای خانواده آن حضرت شد. وی افزون بر آنکه از طرف امام عسکری (ع) به نیابت حضرت مهدی (عج) نصب شده بود، توسط وجود مبارک حضرت مهدی (عج) نیز به این مقام گماشته شد. کوتاه سخن آنکه عثمان بن سعید از لحاظ عقلی و فکری، در شمار نوابغ روزگار بود و علاوه بر این، ویژگی‌های خاص او همچون: تقوایی، پرهیزکاری و امانتداری و دیگر صفات برجسته، او را به مقام والای نیابت خاص و وکالت عامه رسانیده بود.

۳. حیات سیاسی و اجتماعی عثمان بن سعید

عثمان از اصلی‌ترین اصحاب و شاگردان مورد وثوق امام دهم و امام یازدهم (ع) بود. او مردی جلیل‌القدر و مورد اطمینان بود که از یازده سالگی در امام هادی (ع) به خدمتگزاری و کسب آموزه‌های اسلامی از ایشان اشتغال داشت (خویی، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۴۲۰). در ادامه مهم‌ترین ابعاد سیاسی و اجتماعی عثمان بن سعید را بررسی می‌کنیم:

۳-۱. رهبری سازمان وکالت

در روایاتی، به اعتماد امام معصوم به او تصریح شده است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۰). بعد از شهادت امام هادی علیه السلام، عثمان همچنان مورد اعتماد امام حسن عسکری علیه السلام بود و امام یازدهم وی را در سمت خود ابقا کرد. هنگامی که عده‌ای از شیعیان یمنی وجوهات خود را نزد امام عسکری علیه السلام آوردند، آن حضرت، عثمان را به عنوان وکیل خود به ایشان معرفی کرد و اعلام نمود که محمد پسر عثمان نیز وکیل امام دوازدهم، حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۹-۲۳۱ و مدرسی طباطبائی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۹). عثمان بن سعید در دوره نیابت خود، اقدامات مهمی برای اثبات وجود و امامت حضرت مهدی علیه السلام و جانشینی خودش انجام داد. موقعیت ممتاز او در میان افراد سازمان وکالت در عصر عسکریین علیهم السلام، موجب شد وکلای وی را قبول کرده و از دستورهایش پیروی کنند. مدیریت سازمان وکالت، وظیفه اصلی عثمان بن سعید بود. وی در بغداد به کمک برخی دستیاران می‌رژش، همچون: «احمد بن اسحاق اشعری قمی»، «محمد بن احمد بن جعفر قطن» و «حاجز بن یزید و شاء»، امور سازمان وکالت را رهبری می‌کرد. بدین ترتیب، وی امور سازمان را در شهرهای بزرگی همچون: مدائن، کوفه، واسط، بصره و اهواز، مستقیماً سرپرستی می‌کرد.

وکلا، به مراسم حج به عنوان ابزار ارتباطی خود توجه داشتند و احتمالاً سفیر از غلامان و افراد عادی برای ارتباط با حجاز بهره می‌گرفت تا توجه مقامات دولتی برانگیخته نشود. وکلای مصر، دستورهای وکلای حجاز را، به‌ویژه با عنایت به تماس آنان با مرکز سفارت در عراق، دنبال می‌کردند. در یمن نیز کارگزارانی در خدمت سازمان وکالت بودند که در تماس با سفیر اول قرار داشتند. ارتباطات سفیر با مناطق مختلف ایران همچون: آذربایجان، قم، دینور، ری و خراسان نیز برقرار بود. (آقایی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱)

شیعیان بر اثر مشاهده معجزات و خوارق عادات از سوی نواب اربعه، به نیابتشان معتقد می‌شدند و قول آنها را می‌پذیرفتند. «و لم تقبل الشیعه قولهم إلا بعد ظهور آیه معجزه تظهر علی ید کل واحد منهم من قبل صاحب الأمر، تدل علی صدق مقالتهم و صحه بایتهم» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۹۵). در دوران نیابت عثمان بن سعید، توقیعات ناحیه مقدّسه، همواره از طریق وی به شیعیان ابلاغ می‌شد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۲۴۸)

۳- ۲. زدودن شک و حیرت درباره وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مهم‌ترین وظیفه‌ای که نواب اربعه به‌ویژه سفیر اول یعنی عثمان بن سعید عمری بر عهده داشتند، رساندن این پیام و معنا به شیعیان بود که امام عسکری علیه السلام فرزندی دارد که امام است و او، نایب خاص آن حضرت است (جعفریان، ۱۳۷۹، ص ۵۵۲ و طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۴۴). کرامت‌هایی که وکلای حضرت برای اثبات وجود امام زمان و سفارت خود از جانب حضرت اظهار می‌کردند بسیار گویا بود. شیخ طوسی نیز زیارت‌نامه‌هایی برای این وکلا ذکر کرده است که متن این زیارت‌نامه در کنار موقعیت والای این وکلا، در تقویت ایمان قلبی شیعیان به وجود و تأثیر حضرت دلالت دارد. در بخشی از زیارت‌نامه آمده است: «أشهد أنك باب المولى، أدیت عنه وأدیت إلیه، ما خالفته ولا خالفت علیه، والسلام علیک من سفیر ما آمنک ومن ثقه ما أمکنک». (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۷۰)

۳- ۳. پنهان کردن نام و جایگاه امام

از دیگر اقدامات نایب اول، پنهان کردن نام و جایگاه امام است. عثمان که در رازداری و حفظ اسرار اهل بیت علیهم السلام نمونه بود، همواره از بردن نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و افشای محلّ او شدیداً اجتناب می‌کرد. آماده کردن اذهان عمومی برای غیبت کبری و عادت دادن تدریجی مردم به پنهان‌زیستی امام علیه السلام از مهم‌ترین فعالیت‌های ایشان در این برهه زمانی بود تا وجود مقدس آن حضرت، از سوی حکومت عباسی و سایر دشمنان مصون بماند.

روزی عبدالله بن جعفر حمیری - صاحب قرب الاسناد که از شیعیان برجسته به‌شمار می‌رفت - در دیدار خود با عثمان بن سعید، پس از مقدمه‌چینی، از وی چنین پرسید: «آیا جانشین امام عسکری علیه السلام را دیده‌ای؟» عثمان بن سعید پاسخ داد: «آری! آن محبوب دل‌ها را بسیار دیده‌ام» و سپس زیبایی‌های شکل و شمایل امام را توصیف نمود. عبدالله بن جعفر حمیری پرسید: «نام آن حضرت چیست؟» عمری از پاسخ به این پرسش خودداری کرد و گفت: «بر شما حرام است که در این باره پرسش کنید و من این سخن را از پیش خود نمی‌گویم - زیرا اختیاری ندارم که حلالی را حرام یا حرامی را حلال کنم - بلکه این به دستور خود او است؛ زیرا حکومت عباسی بر این باور است که امام عسکری علیه السلام از دنیا رفته و فرزندی از خود باقی نگذاشته

است و به همین دلیل نیز ارث او را میان کسانی که وارث آن حضرت نبودند، تقسیم کردند. این موضوع با صبر و سکوت امام روبه‌رو شد و اکنون کسی جرأت ندارد با خانواده او ارتباط برقرار کند یا چیزی از آنها بپرسد و اگر اسم امام فاش شود، تحت تعقیب قرار می‌گیرد. زنهار! زنهار! خدا را در نظر بگیرید و از پیگیری این بحث، خودداری کنید». (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۹ و پیشوایی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱ - ۲۰۶)

۳- ۴. اخذ اموال امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

از دیگر فعالیت‌های نایب خاص امام، اخذ و توزیع اموال متعلق به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در همان روز شهادت امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف یا در روز بعد از آن و پس از مراسم خاکسپاری امام، به هیئت قمی‌ها دستور داد که از این به بعد، اموال متعلق به آن حضرت را به وکیلش (عثمان بن سعید عَمری) در بغداد تحویل دهند. در باب ذکر حدیث از ایشان، مورخین نمونه‌هایی آورده‌اند؛ از جمله اسحاق بن یعقوب می‌گوید: «از عثمان بن سعید (نایب اول) شنیدم که می‌گفت، مردی از اهل عراق نزد من آمد و مالی برای امام عجل الله تعالی فرجه الشریف آورد. حضرت آن را پس داد و فرموده بود: حق پسرعمویت را که چهارصد درهم است، از آن بیرون کن. آن مرد، مبهوت و متعجب ماند و حساب اموال خود را بررسی کرد و معلوم شد زمین زراعتی پسرعمویش در دست او بوده که قسمتی را به او برگردانده و قسمتی را هنوز رد نکرده بود. وقتی کاملاً حساب کرد، معلوم شد، سهم پسرعمویش از آن زمین، چهارصد درهم می‌شود؛ همان طوری که حضرت فرموده بود. پس آن مبلغ را بیرون نمود و بقیه را تسلیم کرد و مورد قبول واقع شد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۳۲۶، ح ۴۵ و محلاتی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۳۱۲)

۳- ۵. فعالیت پنهانی

از اقدامات سیاسی نایب اول، فعالیت‌های پنهانی ایشان است که در رابطه با امامین شریف عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام می‌دادند. وی در پوشش روغن‌فروشی، فعالیت‌های بسیاری را انجام می‌داد و شیعیان و پیروان آن حضرت، اموال و وجوهی را که می‌خواستند به امام تحویل دهند، به او می‌رساندند. وی آنها را در ظرف‌ها و مشک‌های روغن قرار می‌داد و به حضور

امام می‌رساند. در روایتی^۱ در همین زمینه آمده است: داود بن اسود، خدمتگزار امام، که مأمور هیزم‌کشی و گرم کردن حمام خانه امام حسن عسکری (ع) بود، نقل کرده که حضرت فرمود: این چوب را بگیر و نزد عثمان بن سعید ببر و به او بده. من چوب را گرفتم و روانه شدم. در راه به یک نفر سقا برخورد. قاطر او، راه مرا بست. سقا از من خواست حیوان را کنار بزنم. من چوب را بلند کردم و به قاطر زدم. چوب شکست و من وقتی محل شکستگی آن را نگاه کردم، چشمم به نامه‌ای افتاد که در داخل چوب بود. به سرعت چوب را زیر بغل گرفته و برگشتم. وقتی به در خانه امام رسیدم، عیسی، خدمتگزار امام، کنار در به استقبال آمد و گفت: آقا و سرورت می‌گوید: چرا قاطر را زدی و چوب را شکستی؟ گفتم: نمی‌دانستم داخل چوب چیست؟ امام (ع) فرمود: چرا کاری می‌کنی که مجبور به عذرخواهی شوی؟ مبادا بعد از این چنین کاری کنی. اگر شنیدی کسی به ما ناسزا هم می‌گوید، راه خود را بگیر و برو و با او مشاجره نکن. ما در شهر و دیار بدی به سر می‌بریم. تو فقط کار خود را بکن و بدان که گزارش کارهایت به ما می‌رسد. این قضیه نشان می‌دهد که امام، اسناد، نامه‌ها و نوشته‌هایی را که سری بوده، در میان چوب، جاسازی می‌کرد و برای عثمان بن سعید، که شخص بسیار مورد اعتماد و رازداری بوده است، می‌فرستاد و این کار را به عهده مأمور حمام، که کارش هیزم آوردن و چوب شکستن و... بود و معمولاً سوءظن کسی را جلب نمی‌کرد، واگذار کرده بود.

افزون بر موارد فوق، نایب اول می‌کوشید در قالب تقیه، خود را از نظارت و بازرسی‌های حکومت عباسی دور نگه دارد. او در هیچ بحث آشکار مذهبی یا سیاسی درگیر نمی‌شد. گفته‌اند که او برای پنهان‌کاری، شغل روغن‌فروشی را برگزید و وجوهات شرعی را در ظروف روغن، به امام عسکری (ع) می‌رساند. (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۵۸۰)

۱. أبو هاشم الجعفری عن داود بن الأسود وقاد حَمَامُ أَبِي مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ: دَعَانِي سَيِّدِي أَبُو مُحَمَّدٍ فَدَفَعَ إِلَيَّ خَشَبَةً كَانَتْهَا رَجُلٌ بَابَ مُدَوَّرَةٍ طَوِيلَةً مِلَّةً الْكَفِّ فَقَالَ صِرْ بِهَذِهِ الْخَشَبَةَ إِلَى الْعَمْرِيِّ فَضَيِّتْ فَلَمَّا صِرْتُ إِلَى بَعْضِ الطَّرِيقِ عَرَضَ لِي سَقَاءٌ مَعَهُ بَغْلٌ فَزَاخَمَنِي الْبَغْلُ عَلَى الطَّرِيقِ فَقَادَانِي السَّقَاءُ صَاحَ عَلَى الْبَغْلِ فَزَعَعْتُ الْخَشَبَةَ الَّتِي كَانَتْ مَعِيَ فَصَرَبْتُ الْبَغْلَ فَانْشَقَّتْ فَتَنَظَّرْتُ إِلَى كَسْرِهَا فَإِذَا فِيهَا كُتُبٌ فَبَادَرْتُ سَرِيعاً فَرَدَدْتُ الْخَشَبَةَ إِلَى كُفِّي فَجَعَلَ السَّقَاءُ يُنَادِينِي وَيَشْتِمُنِي وَيَشْتِمُ صَاحِبِي فَلَمَّا دَنَوْتُ مِنَ الدَّارِ رَاجِعاً اسْتَقْبَلَني عِيسَى الْحَادِمُ عِنْدَ الْبَابِ فَقَالَ يَقُولُ لَكَ مَوْلَانِي أَعَزُّهُ اللَّهُ لَمْ صَرَبْتَ الْبَغْلَ وَكَسَرْتَ رَجُلَ الْبَابِ فَقُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي لِمَ أَغْلَمَ مَا فِي رَجُلِ الْبَابِ فَقَالَ وَلِمَ اخْتَبَرْتُ أَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا تَحْتَاجُ أَنْ تَعْتَزَّرَ مِنْهُ إِتَاكَ بَعْدَهَا أَنْ تُعَوِّدَ إِلَى مِثْلِهَا إِذَا سَمِعْتَ لَنَا شَأْنًا فَأَمِضْ لِسَبِيلِكَ الَّتِي أَمَرْتُ بِهَا وَإِيَّاكَ أَنْ تُجَاوِبَ مَنْ يَشْتِمُنَا أَوْ تُعْرِضَ مَنْ أَنْتَ فَإِنَّمَا يَبْلُغُ سُوءَ وَمُضِرُّ سُوءٍ وَآمِضْ فِي طَرِيقِكَ فَإِنَّ أَخْبَارَكَ وَأَخْوَالَكَ تَرُدُّ إِلَيْنَا فَأَعْلَمَ ذَلِكَ. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۲۷)

۴. حیات فرهنگی و علمی عثمان بن سعید

با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی، اجتماعی دوران نمایندگی نایب اول و ویژگی های اوایل دوران غیبت، عمده وقت عثمان بن سعید، مصروف به باوراندن شیعیان نسبت به زندگی پنهان امام زمان عجل الله تعالی فرجه له و نیز منحرف کردن دشمنان از تعقیب حضرت گذشت. لذا در چنین موقعیتی، فرصت زیادی برای نقل حدیث و یا تألیف کتاب نبوده است؛ ازاین رو می بینیم توقیعاتی که به دست نایب اول صادر گردیده و نیز احادیثی که از ایشان نقل شده، اندک است.

۴-۱. آثار نایب اول

از جمله آثار علمی منسوب به نایب اول امام زمان عجل الله تعالی فرجه له، کتاب هایی در موضوع فقه و حدیث است که برخی از آنها به دست نایب دوم، یعنی فرزندش، محمد بن عثمان، تدوین یافته است. عمده مطالب این کتب، از امام عسکری و امام زمان عجل الله تعالی فرجه له است (سلیمان، ۱۳۶۵، ص ۱۰۳). چنان که کتاب «الاشربة» در ابواب فقه بوده و نیز دربردارنده برخی از احادیث معتبر است. ام کلثوم، دختر عثمان بن سعید می گوید: «این کتاب بنا به وصیت پدرم به دست ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی، نایب سوم و پس از آن، بر طبق وصیت وی، به دست چهارمین نایب خاص رسید». کتاب وی به دست ما نرسیده است و ممکن است بر اثر ناملایمات روزگار از بین رفته باشد. (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۶۵ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۳۵)

۴-۲. تعلیم معارف اهل بیت علیهم السلام

از نقش ها و مسئولیت های نواب خاص، آموزش معارف اهل بیت علیهم السلام و تربیت شاگردان در جامعه اسلامی بود تا در مواجهه با پرسش های مردم، بتوانند پاسخ هایی متناسب با دیدگاه حضرات معصوم علیهم السلام بیان کنند. پاسخ گویی به پرسش های فقهی و مشکلات عقیدتی، از وظایفی بود که نایب اول، مسئولیت آن را در جامعه برعهده داشت. نواب امام گاهی پرسش های فقهی و مسائل مستحدثه شیعیان را به عرض امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له می رساندند و پاسخ آن را دریافت و به شیعیان ابلاغ می کردند.

کلینی از ابونصر هبة الدین نقل کرده که توقیعات، همان سان که در دوره امام حسن

[عسکری] علیه السلام به مردم می‌رسید، پس از آن هم همان گونه و با همان خط به مردم ارائه می‌شد. این توقیعات، نگاشته‌هایی بود درباره امور دینی و دنیایی مردم و چیزهایی که از آن حضرت می‌پرسیدند و حضرت همراه با پاسخ‌هایی عجیب و خارق‌العاده به مردم ارائه می‌کردند. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳)

نواب اربعه در دوران هفتاد ساله غیبت صغری، در راستای انجام وظایف خود برای حفظ کیان امامت شیعه، با غلات و مدعیان دروغین نیابت، وکالت و بابیت امام، همچون: حلاج، شلمغانی و... به مبارزه برخاستند. در این راستا، با درخواست نواب امام، توقیعاتی از ناحیه مقدسه صادر شد و با روشن شدن ماهیت این مدعیان دروغین، شیعیان امامیه از این انحراف‌ها مصون ماندند و به سفارت نواب اربعه و وکالت آنان، بیشتر اعتماد کردند.

۵. عثمان بن سعید از منظر دیگران

۵-۱. محمد بن یعقوب از سعد اشعری قمی

محمد بن یعقوب روایتی بدین مضمون نقل می‌کند: «حسن بن نصر که در میان شیعیان قم جایگاه ویژه‌ای داشت، بعد از رحلت امام عسکری علیه السلام در حیرت بود. او و عده‌ای دیگر تصمیم گرفتند که از امام بعدی جويا شوند. حسن بن نصر به نزد ابوصدام رفت و گفت: امسال می‌خواهم به حج بروم. ابوصدام از او خواست که این سفر را به تعویق اندازد، ولی حسن بن نصر گفت: نه! من خوابی دیده‌ام و بیمناکم، بنابراین باید بروم. وی قبل از حرکت، به احمد بن یعلی بن حماد درباره اموال متعلق به امام وصیت کرد که این اموال را نگه دارد تا جانشین امام عسکری علیه السلام مشخص شود. وی سپس به بغداد رفت و در آنجا، از سوی ناحیه مقدسه، توقیعی به دستش رسید و به امامت امام مهدی علیه السلام و نیز وکالت خاصه عثمان بن سعید عمری مطمئن شد». (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۱۷-۵۱۸)

۵-۲. روایت محمد بن ابراهیم بن مهزیار

او می‌گوید: پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، در مورد جانشین آن حضرت به شک افتادم. پدرم، وکیل حضرت بود و اموال زیادی نزدش وجود داشت. پدرم اموال را برداشت و مرا

به همراهی طلبید و به راه افتادیم. در بین راه، پدرم مریض شد و به من در مورد اموال وصیت نمود و گفت: از خدا بترس و این اموال را به صاحبش برگردان و هرکه نشانه‌های این اموال را گفت، اموال را به او بسپار. سپس وفات کرد. چند روزی در عراق ماندم، سپس نامه‌ای از سوی عثمان بن سعید به من رسید که در آن نامه، همه علائم و نشانه‌های اموال بیان شده بود، نشانه‌هایی که جز من و پدرم کسی آن را نمی‌دانست (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۱۳). محمد بن ابراهیم بن مهزیار با این کرامت و شاهد صدق، هم به امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و هم به نیابت عثمان بن سعید اطمینان یافت.

۵-۳. روایت احمد دینوری سراج

احمد دینوری می‌گوید: یکی دو سال بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به قصد حج، از اردبیل حرکت کردم و به دینور رسیدم که مردم در خصوص جانشین امام عسکری علیه السلام متحیر بودند. اهالی دینور از آمدن من خشنود شدند. شیعیان آنجا سیزده هزار دینار سهم امام را به من دادند که به سامرا ببرم و به جانشین حضرت بسپارم. گفتم: هنوز جانشین حضرت حتی برای خودم روشن نیست. گفتند: تو مورد اعتماد ما هستی. هر وقت جانشین حضرت را پیدا کردی، به او بده. سیزده هزار دینار را گرفتم و با خود بردم. در کرمانشاه با احمد بن حسن بن حسن ملاقات کردم. او نیز هزار دینار و چند بقچه پارچه به من داد تا به ناحیه مقدسه برسانم. در بغداد به دنبال نایب حضرت می‌گشتم. به من گفتند که سه نفر مدعی نیابت هستند که یکی باقطنی است. نزدش رفتم و او امتحان کردم و از او شاهد صدق خواستم، چیزی نداشت که مرا قانع کند. سپس نزد دومی رفتم به نام اسحاق احمر، او را نیز به حق نیافتم. هنگامی که نزد سومی، ابوجعفر یا عثمان بن سعید عمری رفتم، بعد از احوال‌پرسی به او گفتم: اموالی از مردم نزد من است و باید به جانشین امام عسکری علیه السلام تحویل دهم، در حیرتم و نمی‌دانم چه کنم. او گفت: برو در سامرا به خانه امام حسن عسکری علیه السلام در آنجا وکیل امام را خواهی یافت. به سامرا رفتم و در خانه حضرت، سراغ وکیل امام را گرفتم. دربان گفت: منتظر باش، الان بیرون می‌آید. لحظه‌ای بعد فردی آمد و دست مرا گرفت و درون خانه برد. بعد از احوال‌پرسی به او گفتم: مقداری اموال از ناحیه جبل آوردم و به دنبال دلیل هستم.

ناچارم از هرکس دلیلی برای اثبات نیابت وی یافتم، اموال را به او تسلیم کنم. در این وقت، برای من غذا آوردند، گفت غذایت را بخور و کمی استراحت کن، سپس به کار تو رسیدگی می شود. بعد از گذشت پاسی از شب، آن مرد نامه ای به من داد که در آن آمده بود: احمد بن محمد دینوری آمده و این مقدار پول و کیسه و بقیچه آورده و درون آن کیسه این مقدار پول است، و تمامی جزئیات را بیان داشت. از جمله نوشته بود: در کیسه پسر فلان شخص زره ساز، شانزده دینار است. از کرمانشاه نیز یک کیسه از فلان شخص است، و فلان بقیچه از احمد بن حسن مادرانی است که برادرش پشم فروش است و... با این نامه، شک و تردیدم برطرف شد و مشخص شد که عثمان بن سعید عمری، نایب حضرت است. حضرت در این نامه به من دستور داد اموال را به بغداد ببرم و به همان فردی که با او ملاقات داشتم، تحویل دهم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۳۰۰)

۵-۴. روایت محمد بن علی اسود

وی می گوید: در آغاز غیبت صغری، پیرزنی پارچه ای به من داد و گفت آن را به ناحیه مقدسه برسان. من آن را با پارچه های بسیاری دیگر همراه خود آوردم. چون به بغداد رسیدم و نزد عثمان بن سعید رفتم، وی گفت: همه اموال را به محمد بن عباس قمی بده. من همه را به او سپردم، جز پارچه پیرزن را. پس از آن، عثمان بن سعید از ناحیه مقدسه این پیغام را فرستاد که پارچه پیرزن را نیز به وی تسلیم کن. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۳۲۶)

۶. پایان عمر عثمان بن سعید

تاریخ وفات عثمان بن سعید به درستی دانسته نیست. برخی محققان متاخر کوشیده اند تا از روی قرائن، حدس هایی در این باره ارائه کنند. مورخان می نویسند: سفارت عثمان بن سعید تا سال ۲۶۵ ق ادامه داشته است (الحسنی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۶۸)، اما هیچ مأخذی در این زمینه ذکر نمی کند. همچنین گفته شده است: «بیست سال پس از غیبت امام دوازدهم، نخستین سفیر حضرت، در سال ۲۸۰ ق درگذشت. در توقیعی که گفته می شود امام غائب به پسر نخستین سفیر و جماعت شیعه خطاب کرده اند، پس از مراتب تسلی های قلبی بر مرگ

چنین مرد متقی، امام، پسرش ابوجعفر محمد را به جانشینی او منصوب می‌کند.» (جاسم حسین، ۱۳۷۹، ص ۱۵۹)

طبق اعتقادات شیعه، فقط امام می‌تواند بر امام قبلی نماز بخواند، ولی چنان‌که گذشت برخی منابع برآنند که عثمان بن سعید، امام حسن عسکری علیه السلام را غسل داد و کفن کرد و به خاک سپرده است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۶ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۳۴۴). با توجه به این گزارش و با توجه به سال شهادت امام حسن (در ۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ ق) و قرائن دیگر، به نظر می‌رسد رحلت عثمان پس از سال ۲۶۰ ق بوده است. پس از درگذشت عثمان، فرزندش، محمد بن عثمان، پدر را غسل داد و در غرب مدینه السلام، در محله معروفی به نام الدرب در بغداد به خاک سپرد. بنا به نقل شیخ طوسی، وی از زمان ورودش به بغداد در سال ۴۰۸ ق تا پس از ۴۳۰ ق، قبر عثمان بن سعید را زیارت می‌کرده است. آرامگاه او در محله «رصافه» واقع در شرق بغداد و در منطقه‌ای به نام «بازار شورجه» معروف است. (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۳۲).

نایب اول، پس از ۲۲ سال خدمات خالصانه به اهل بیت علیهم السلام و وکالت و هدایت فعالیت‌های وکلا و ایفای نقش دستیاری و معاونت برای سه امام معصوم علیهم السلام، مأموریت خود را به شایسته‌ترین نحو به پایان رسانید و در سال ۲۶۶ ق، که شش سال از دوره سفارتش می‌گذشت، بزرگان شیعه را نزد خویش فراخواند و آنان را از سفر ابدی خود، آگاه ساخت. وی همچنین به آنان اطلاع داد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دستور داده است تا شما را از سفارت فرزندم، محمد بن عثمان آگاه کنم و پس از من، هرکس حاجتی داشت نزد او برود. پس از غسل دادن و کفن و دفن، با حضور صدها مرد و زن عزادار، پیکر مطهر او را به خاک سپرد. (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۳۲)

پیام تسلیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پس از رحلت سفیر اول، فرزندش، محمد، به امر ناحیه مقدسه، عهده‌دار مقام نیابت شد و در همین هنگام، توقیع ناحیه مقدسه در تعزیت وی به سبب رحلت پدرش بدین مضمون صادر گردید:^۱

۱. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِ وَرِضَاءٍ بِقَضَائِهِ عَاشَ أَبُوكَ سَعِيداً وَمَاتَ حَبِيباً فَرَحَهُ اللَّهُ وَالْحَقُّهٗ بِأَوْلِيَانِيهِ وَمَوْلَاهِ فَلَمْ يَزَلْ مُحْتَمِداً فِي أَمْرِهِمْ سَاعِياً فِيمَا يُقَرِّبُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْهِمْ تَصَرَّ اللَّهُ وَجْهَهُ وَأَقَالَهُ عَثْرَتُهُ، وَفِي فَصْلِ آخِرٍ أَجَزَلَ اللَّهُ لَكَ التَّوَابَ

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، همه از خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم. تسلیم امر الهی و راضی به قضای اویم. پدرت با سعادت زیست و ستوده رحلت نمود، خدا او را رحمت کند و به اولیاء و موالی اش ملحق کند. او همواره در امتثال امر آنان و اموری که وی را به خدا و اولیایش مقرب سازد، ساعی بود. خداوند او را مسرور سازد و از لغزشش درگذرد. خداوند ثواب و اجر تو را عظیم کند و در قبال این مصیبت به تو احسان فرماید. تو و ما، هر دو به این مصیبت مبتلا شدیم و فراق او، ما را نیز همچون تو نگران ساخت. خداوند او را در جایگاه جدیدش شاد فرماید. از کمال سعادت او آن بود که فرزندی همچون تو، نصیب او شد تا پس از او، جانشینش شود و برای او طلب رحمت کند. و من حمد خدا می‌کنم؛ چرا که دل‌ها به خاطر جایگاه تو و آنچه خداوند به تو ارزانی داشته و نزد تو قرار داده، آسوده است. خداوند تو را یاری و تقویت کند و کمک کند ولی و حافظ و نگهبان و کفایت‌کننده و یاورت باشد».

نتیجه‌گیری

بررسی و شناسایی زندگی نواب اربعه، که از عالمان وارسته شیعه به شمار می‌آیند، می‌تواند الگویی مطلوب از انسان‌های مورد توجه و اعتماد امام عصر (عج) را ارائه نماید. در این نوشتار، که به زندگی نایب اول امام زمان (عج) پرداخته شد، سعی گردید مطالعه‌ای عمیق‌تر نسبت به نوشته‌های پیشین درباره زندگی فردی و اجتماعی عثمان بن سعید صورت پذیرد. در نتیجه این تحقیق، به دست آمد که اطلاعات دقیق و موثقی از تولد و نیز وفات ایشان وجود ندارد و آنچه در منابع تاریخی ذکر شده، برحسب وقایع و رویدادهای تاریخی در عصر زندگی این شخصیت بزرگ است. بنابراین بسیاری از ابعاد زندگانی او در دوران کودکی و جوانی و چگونگی رشد و نمو ایشان، از جمله تولد، وفات و مدت نمایندگی او، در بستر تاریخ، مبهم مانده است. در بُعد فردی، به القاب (اسدی، عسکری و العمری) و وثاقت نایب اول پرداخته شد و به لحاظ سیاسی و اجتماعی، فعالیت‌هایی از قبیل سازمان وکالت،

و أَحْسَنَ لَكَ الْعِزَّاءَ زُرَيْتُ وَ زُرَيْتُنَا وَ أَوْحَشَكَ فِرَاقُهُ وَ أَوْحَشَنَا فِرَاسُهُ اللَّهُ فِي مُثْقَلِيهِ وَ كَانَ مِنْ كَمَالِ سَعَادَتِهِ أَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَلَدًا مِثْلَكَ يَحْلِفُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ يَقُومُ مَقَامَهُ بِأَمْرِهِ وَ يَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ وَ أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَإِنَّ الْأَنْفُسَ طَيِّبَةً يَمَكَانِكَ وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيكَ وَ عِنْدَكَ أَعَانَكَ اللَّهُ وَ قَوَّاکَ وَ عَصَدَكَ وَ وَفَّقَكَ وَ كَانَ اللَّهُ لَكَ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ رَاعِيًّا وَ كَافِيًّا وَ مُعِينًا. (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۶۱ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۳۴۷)

پنهان کردن نام امام و اخذ اموال مردم توسط ایشان، تبیین شد. در بُعد فرهنگی و علمی، به آثار نایب اول، پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و عقیدتی و مبارزه با غلات اشاره گردید. به طور کلی مشخص شد که ابوعمر، بیشترین مسئولیت را در اوایل دوران غیبت صغری، با توجه به شرایط حاکم و وجود خفقان و سخت‌گیری‌های بسیار، بر دوش داشته است و نهایت تلاش خود را درباره پنهان ماندن راز زندگی امام دوازدهم و نیز توجیه شیعیان نسبت به حیات او و از سویی دیگر، مقابله با جریان‌های انحرافی و معاند، به کار گرفت. مورد اعتماد بودن، امین و عالم بودن نسبت به مسائل دینی، و وکالت داشتن از سوی سه تن از ائمه علیهم‌السلام، از جمله ویژگی‌های بارز این شخصیت عالی‌قدر شیعی به شمار می‌آیند. ذکر احادیث متعدد و تأکید و تایید دیگر عالمان جهان اسلام نسبت به ویژگی‌های برجسته عثمان بن سعید، موید دیگری بر شایستگی وی در داشتن نمایندگی از سوی ائمه علیهم‌السلام به ویژه امام عصر علیه‌السلام است. امید است نوشتار کنونی، کمک شایانی برای شناخت و آگاهی بیشتر جامعه منتظران نسبت به شخصیت عثمان بن سعید و نیز الگو قرار دادن سیره عملی او برای نسل آینده شود. همچنین سبب گردد تا پژوهش‌های جامع‌تری نسبت به شخصیت ایشان و دیگر عالمان تشیع و نواب ائمه انجام شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابراهیم، مصطفی و دیگران، ۱۹۶۵ م، المعجم الوسيط، القاهرة: مجمع اللغة العربية.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم: علامه.
۳. امین، سید محسن، ۱۳۷۱ ش، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۴. پورسیدآقای، سید مسعود و همکاران، ۱۳۸۹ ش، تاریخ عصر غیبت: نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم، قم: موسسه آینده روشن.
۵. پیشوایی، مهدی، ۱۳۸۶ ش، سیمای پیشوایان در آیین تاریخ، قم: نشر دار العلم.
۶. جباری، محمدرضا، ۱۳۸۲ ش، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۷. جعفریان، رسول، ۱۳۷۹ ش، حیات فکری، سیاسی امامان شیعه، قم: نشر انصاریان.
۸. الحسنی، سید هاشم، ۱۴۰۹ ق، سیره الائمه الاثني عشر: الامام المهدی علیه السلام، قم: نشر شریف الرضی.
۹. حسین، جاسم، ۱۳۷۹ ش، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، تهران: امیر کبیر.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۱ ق، رجال العلامة الحلی، قم: دار الذخائر.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم، ۱۹۸۳ م، معجم رجال الحديث، بیروت: دار الاضواء.
۱۲. دوانی، علی، ۱۳۸۵، نواب اربعه یاسفرای امام زمان علیه السلام، تهران: دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی علیه السلام.
۱۳. سلیمیان، خدامراد، ۱۳۶۵ ش، پرسمان مهدویت، قم: شباب الجنه.
۱۴. شیخ طوسی، ۱۳۸۲ ش، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی، التحقيق و التصحيح: محمد تقی فاضل الميبدی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۵. _____، ۱۴۱۷ ق، الفهرست، نجف الاشرف: مؤسسه نشر الفقاهه.
۱۶. _____، ۱۴۱۱ ق، کتاب الغيبة، تحقيق: عبدالله طهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه.
۱۷. شیخ مفید، ۱۳۳۹ ش، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۱۸. شیخ صدوق، علی بن بابویه، ۱۴۱۰ ق، الخصال، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۱۹. _____، ۱۴۰۵ ق، کمال الدین و تمام النعمة، تحقيق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. صدر، سید محمد، ۱۴۱۲ ق، تاریخ الغیبه، بیروت: دار التعارف.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۶ ش، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۳۸۶.
۲۲. _____، ۱۴۰۳ ق، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی.
۲۳. طبسی، محمدجواد، ۱۳۸۹ ش، با خورشید سامرا: تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری، ترجمه: عباس جلالی، قم: بوستان کتاب.

۲۴. غفارزاده، علی، ۱۳۷۷ ش، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان علیه السلام، قم: نشر نبوغ.
۲۵. قطب راوندی، ابوالحسن سعید بن هبة الله، ۱۴۰۹ ق، خرائج و الجرائح، تحقیق: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، قم: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام.
۲۶. قندوزی حنفی، سلیمان، ۱۴۰۴ ق، ینایع الموده، تهران: نشر دار الکتاب.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ ق، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۹. مجله حوزه، ۱۳۷۴ ش، «ارتباط با امام زمان در عصر غیبت»، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ش ۷۰ - ۷۱.
۳۰. مدرسی طباطبایی، حسین، ۱۳۷۴ ش، مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه: هاشم ایزدپناه، نیوجرسی امریکا: نشر داروین.
۳۱. محلاتی، ذبیح الله، ۱۴۲۶ ق، مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء، قم: مکتبه الحیدریه.
۳۲. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۴ ش، اثبات الوصیه، قم: نشر انصاریان.
۳۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ ق، الغیبه، تهران: مکتبه الصدوق.